

# جلیقه زردها...!

دکتر عزیزاله سلیم پور  
نیس - فرانسه

تعداد مسلمانان از مسیحی‌ها بیشتر بود و به نتایج آینده این رفراندوم واقف نبودند، طرفداران الجزیره مستقل برنده شدند و فرانسوی تباران به فرانسه «رانده شدند» یا برگشتند - و فرانسه آرام شد.

هنوز مدتی از این آرامش نگذشته بود که فرانسوی‌ها در

خیابان‌ها ریختند و فریاد می‌زدند که دوگل دیکتاتور و دوگل دیکتاتور! چرا که می‌خواست قانونی اساسی فرانسه را نوین کرده تا بتوان کشور را بهتر اداره کرد. درست بیاد دارم شش‌بی در تلویزیون دوگل با صدایی که از ته دلش برمی‌آمد فریاد زد: «آیا فکر می‌کنند من صبر کرده‌ام به



حتماً خوانندگان عزیز پیام مرتب در رادیو تلویزیون‌ها و اینترنت، روزنامه‌ها و مجله‌ها در باره جلیقه زردهای فرانسوی می‌بینند و می‌خوانند؛ و برخی از آنان فکر می‌کنند که کشور فرانسه آخرین روزهای خود را طی می‌کند! فکر کردم بد نباشد چند سطر تقدیم آنان کنم تا شاید کمی روشن شوند.

بیاد دارم در سال ۵۸-۱۹۵۷ که قصد رفتن به فرانسه را داشتم خیلی از دوستان مرا نصیحت می‌کردند و هشدار می‌دادند که دیگر فرانسه در حال اضمحلال است و رفتن به آنجا کاملاً اشتباه است. البته بیاد دارید که جنگ استقلال الجزیره چند سال

سن ۶۷ سالگی برسم تا دیکتاتور شوم؟! اکنون که چند دهه از مرگ دوگل گذشته هر کدام از سیاستمداران می‌خواهند برای خود وجهه‌ای درست کنند، خود را طرفدار دوگل می‌خوانند. خدا بیامرزدش که می‌گفت «شما چطور می‌خواهید مملکتی را که ۲۵۸ نوع پنی‌ر مختلف می‌سازد اداره کنید؟! و حالا طبق آمار رسمی وزارت کشاورزی بیشتر از ۱۸۰۰ نوع پنی‌ر در فرانسه درست میشود!!!»

پس از دوگل، پومپیدو ریاست جمهوری را بعهدہ گرفت که بخاطر ابتلا به سرطان خون نسبتاً بزودی درگذشت ولی چون به خود او نمی‌توانستند اخلاقاً حمله کنند چه تهمت‌هایی که به همسرش وارد نکردند و حتی او را شریک یک قتل وانمود کردند!

ژیسکارداستن که یکی از شرکای بدبختی ما ایرانیان بود در تمام دوره ریاست جمهوری‌اش مورد مواخذه بود چرا که بوکاسا به او مقداری الماس هدیه کرده بود! سارکوزی رئیس جمهور جوان فرانسه که او هم باعث حمله

طول کشید و چقدر کشته داد و فرانسوی‌ها به عکس انگلیس‌ها که با ترک مستعمرات خود بهترین روابط را با آنها حفظ کردند در این مدت هم به کشور الجزایر و هم به فرانسه ضرر فراوان وارد کردند که هنوز عواقبش ادامه دارد.

شارل دوگل رئیس جمهور فرانسه در سخنرانی معروفش در الجزیره در حالیکه صدها هزار از ساکنان این شهر در میدان اصلی آن گرد هم آمده بودند گفت «من شما را درک کردم» که البته هر کس فکر کرد دوگل آرزوی او را درک کرده! در حقیقت دوگل که مرد بینهایت باهوشی بود تصمیم داشت به الجزایر استقلال بدهد ولی هیچکدام از فرانسوی‌های الجزیره حاضر در میدان نمی‌دانستند نقشه او چیست. دوگل می‌دانست که اگر الجزایر فرانسوی بشود یعنی جزئی از فرانسه گردد بزودی تعداد مسلمانان در فرانسه و الجزایر از مسیحیان بیشتر خواهد شد و دیگر فرانسه ماهیت خود را از دست خواهد داد. لذا یک رفراندوم برپا کرد که اهالی مسیحی و مسلمان الجزایر بگویند آیا می‌خواهند مستقل باشند یا فرانسوی؟ البته چون

به لیبی و بدبختی آن ملت شد در تمام مدت ۵ سال ریاستش بر جمهوری فرانسه توسری خورد نه بخاطر حق ناشناسی اش به قذافی - نه - بلکه به او ایراد می گرفتند که چرا شبی که به ریاست جمهوری رسید در رستوان «فوکت» ضیافتی برای پذیرایی دوستان و فامیلش برپا کرده است!!!

هولاند رئیس جمهوری که پس از او به ریاست رسید، سوسیالیست بود و هم او بود که شبانه با موتور مخفیانه از کاخ الیزه مثل یک نوجوان ۱۶ ساله در رفته بود تا معشوقه اش را ملاقات کند! البته در این مورد کسی زیاد به او ایراد نگرفت، چرا که می گویند زندگی خصوصی افراد به دیگران ربطی ندارد!

حال یک رئیس جمهور جوان بنام «امانوئل ماکرون» سر کار آمده. اینجا مثل حکومت های دیکتاتوری نیست که یک نفر ۹۹ درصد رأی بیاورد و خیلی از کسانی که به ماکرون رأی دادند برای این بود که مارین لوپن رقیب او دست راستی افراطی سر کار نیاید. ولی امروز مارین لوپن از یک طرف و میلانشون دست چپی افراطی از طرف دیگر می خواهند انتقام شکست خود را از او بگیرند و از جلیقه زردها تا آنجا که می توانند پشتیبانی می کنند و سعی می کنند شعله آتش را شدیدتر کنند - «هر کسی از ظن خود شد یار من»!

روانشان شاد مادر بزرگ های من می گفتند «یکی بود و دو تا شد، رحم خدا سه تا شد» حالا این دو تا کم بودند دولت افراطی درست راستی ایتالیا هم خودش را نخود آش کرده. هفته پیش معاون نخست وزیر ایتالیا آمده بود اینجا خودش را قاطی جلیقه زردها کرده از آنها پشتیبانی میکرد و می گفت نسیم تغییر کشور (فرانسه) می وزد! که البته عکس العمل فرانسه بسیار قوی بود یعنی برای اولین بار پس از جنگ دوم جهانی، سفیر خود در ایتالیا را برای اعتراض به فرانسه بازگرداند.

این هم از خصوصیات مردم فرانسه است؛ لوئی ۱۶ را سربریدند ولی امروز مردم منازلشان را باستیل لوئی ۱۶ دکور می کنند!

شاید باور نکنید در حالیکه جلیقه زردها هنوز هر شنبه به خیابان ها می ریزند، می شکنند و می سوزانند، در کشور صدها کنسرت و فستیوال برگزار می شود و نگارنده این مقاله دیشب در کنسرتی در شهر وانس ۳۰ کیلومتری نیس رفتم و بزور توانستم دو تا جا آخر کلیسای بزرگ این شهر گیر بیاورم!

در عین حال امروز معلمین تعلیم رانندگی جاده ها را بسته اند چرا که دولت می خواهد برای آموزش از اینترنت استفاده کند. آموزگاران هم که در صورت بیماری، سه سال از تمام امتیازاتشان بهره مند هستند به بهانه دیگری اعتصاب می کنند!

این موضوع مرا به یاد طنزی انداخت... می گویند به مردی که پس از مرگش به جهنم محکوم شده بود اجازه دادند تا از میان جهنم های ملل مختلف یکی را انتخاب کند؛ او جهنم فرانسوی را انتخاب کرد، علتش را پرسیدند، گفت: در جهنم فرانسوی ممکن است یک روز هیزم نباشد، یک روز کبریت نباشد، یک روز... و اگر همه وسایل هم مهیا باشد شاید کارگران آن اعتصاب کنند!!!

حال ممکن است شما برسید وضع فرانسه چگونه پیش خواهد رفت؟ اجازه بدهید در وحله اول بگویم اگر در هر کشور یا حداقل در بسیاری کشورهای دیگر بجز فرانسه این گونه تظاهرات میشد و مردم به پلیس ها حمله می کردند، سنگپرانی میکردند و با صورت های پوشیده با نقاب به جنگ آنان می رفتند، دهها بلکه صدها کشته در میان تظاهرکنندگان خشن مشاهده میشد ولی در تمام این مدت حتی یک نفر از ده نفری که کشته شدند بدست پلیس ها نبوده ولی بین پلیس ها و مأموران محافظت خیلی زخمی و مجروح وجود داشته است.

اکنون رئیس جمهور فرانسه امانوئل ماکرون شروع کرده هفته ای یک یا دو بار بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر از فرانسوی ها از طبقات مختلف و شهردارها و غیره را جمع میکند و میگوید من می خواهم مسائل مختلف هم میهنانم را بهتر درک کنم. شاید باور نکنید هر بار بین ۵ تا ۷ ساعت به تمام پرسش های شرکت کنندگان گوش می کند و آخر سر به یک یک سوالها پاسخ میدهد بطوریکه مخالفانش برایش دست می زنند و تشویقش می کنند.

آیا نتیجه این جلسات که تا ماه مارس ادامه خواهد داشت چه خواهد بود؟ آیا به کدام از درخواست ها می تواند جواب مثبت دهد و چند درصد از مردم را راضی کند؟ آیا جمهوری پنجم فرانسه چون «جمهوری دوگل» به یک جمهوری جدید یعنی جمهوری ششم تبدیل خواهد شد؟ آیا قانونی پیشنهاد خواهد کرد که تعداد نمایندگان فرانسه که از آمریکا بیشترند کمتر شوند؟ آیا به احزاب اقلیت در پارلمان حق موجودیت بیشتری خواهد داد؟

بهر حال کشوری که ۱۸۰۰ نوع پنیر می سازد اداره اش همیشه مشکل خواهد بود!

نیس - ۱۱ فوریه ۲۰۱۹  
عزیزاله سلیم پور